

Research Article

Investigating the Impact of Managerial Ability on Corporate Transparency, Emphasizing the Moderation of Weaknesses in Internal Controls in Companies Listed in Tehran Stock Exchange

Saeid Jabbarzadeh Kangarluie*

Associate Professor of Department of Accounting, Urmia Branch, Islamic Azad University,
Urmia, Iran

Yaser Radi

Ph.D student in Department of Accounting, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between managerial ability and corporate transparency with an emphasis on the weakness of internal controls. For this purpose, 122 companies listed in Tehran Stock Exchange during the period of 2008-2017 are selected and four indicators are used to measure corporate transparency: information asymmetry, information uncertainty, timeliness and reliability of information. To measure the management ability Dmryjan et al (2012) model is used. For testing the research hypotheses Stata software version 15 and regression model using panel data are used. The results of this study show that management ability reduces information asymmetry and information uncertainty and increases the timeliness and reliability of information disclosed. In general, we can say that there is a direct relationship between management ability and corporate transparency. Other results of the research show that the weakness of internal controls has a significant effect on the relationship between management ability and indicators used to measure corporate transparency.

Keywords: management ability, company transparency, weakness of internal controls.

JEL Classification: M41, G11, G14

*jabbarzadeh.s@gmail.com

پژوهش‌های حسابداری مالی
سال یازدهم، شماره اول، پیاپی (۳۹)، بهار ۱۳۹۸
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۳/۲۲
تاریخ بازنگری: ۱۳۹۷/۰۶/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۲
صص: ۵۵-۸۰

مقاله پژوهشی

بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر شفافیت شرکتی با تأکید بر اثر تعدیلگری ضعف کنترل‌های داخلی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

سعید جبارزاده کنگرلویی^{۱*}، یاسر رادی**

*دانشیار گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

jabbarzadeh.s@gmail.com

**دانشجوی دکتری حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

radi.yaser@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه توانایی مدیریت و شفافیت شرکتی با تأکید بر ضعف کنترل‌های داخلی است. بدین منظور، ۱۲۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶، انتخاب و برای اندازه‌گیری شفافیت شرکتی از چهار شاخص عدم تقارن اطلاعاتی، عدم اطمینان اطلاعاتی، به موقع بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات و برای اندازه‌گیری متغیر توانایی مدیریت از الگوی دمریجان و همکاران (۲۰۱۲) بهره گرفته شد. برای تحلیل داده نیز از نرم‌افزار استاتا نسخه ۱۵ و الگوی داده‌های تابلویی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد توانایی مدیریت باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، عدم اطمینان اطلاعاتی و افزایش امتیاز افشای به موقع و قابلیت اتکا بودن می‌شود. به طور کلی، بین توانایی مدیریت و شفافیت شرکتی رابطه مستقیم وجود دارد. دیگر نتایج پژوهش نشان می‌دهد ضعف کنترل‌های داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و شاخص‌های استفاده‌شده برای اندازه‌گیری شفافیت شرکتی تأثیر معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: توانایی مدیریت، شفافیت شرکت، ضعف کنترل‌های داخلی

طبقه‌بندی موضوعی: G14، G11، M41

مقدمه

شرکت‌های تجاری برای افشای گسترده و باکیفیت، در نظارت سازمان‌های مختلف‌اند؛ اما در اطلاعات اضافی ارائه‌شده به بازارهای سرمایه هنوز هم ضعف وجود دارد. شرکت‌ها اختیارات شایان توجهی برای افشای اطلاعات و ارائه جزئیات مربوطه دارند. هرچه شفافیت شرکت در ارائه اطلاعات بیشتر باشد، پیامدهای بهتری به دست خواهد آمد؛ برای مثال، افزایش سطح کیفیت افشا موجب کاهش عدم تقارن اطلاعات و هزینه‌های نمایندگی می‌شود [۴۰، ۴۱]، مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی در بازارهای سرمایه، بر عملکرد شرکت‌ها اثر می‌گذارد. وجود اطلاعات فراوان در بازار موجب می‌شود سرمایه‌گذاران ارزش‌گذاری‌های دقیقی در رابطه با شرکت انجام دهند و در نهایت سهام شرکت را نگهداری کنند؛ زیرا این امر موجب افزایش تقاضا و به دنبال آن افزایش قیمت سهام می‌شود که هزینه‌های سرمایه را کاهش می‌دهد [۴۰، ۴۱، ۵۰]. همچنین، شفافیت باعث کاهش عدم اطمینان بازار درخصوص تصمیمات آتی قانونگذاران می‌شود و در نتیجه، قابلیت پیش‌بینی سیاست‌های پولی و کارایی بازارهای مالی را افزایش می‌دهد [۹]. در ایران، سازمان بورس اوراق بهادار از دو مؤلفه به موقع بودن و قابل اتکابودن برای رتبه‌بندی سطح شفافیت شرکت‌ها استفاده می‌کند. در چارچوب نظری استانداردهای حسابداری ایران و چارچوب نظری استانداردهای بین‌المللی^۱ و هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا^۲ نیز از دو مؤلفه یادشده به عنوان خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری یاد شده است. همان‌گونه که از مطالب ذکرشده در بالا استنباط می‌شود شفافیت شرکتی از

متغیرهای عدم تقارن اطلاعاتی، عدم اطمینان اطلاعاتی، به موقع بودن و قابلیت اتکای اطلاعات تأثیر می‌پذیرد. مدیران اجرایی با توانایی بالا، سطح شفافیت اطلاعاتی شرکت را بهبود می‌دهند؛ به عبارت دیگر، مدیران اجرایی، همراه با گروهی از مدیران با تجربه، تصمیم‌گیری‌های شرکت‌ها را رهبری می‌کنند که بدون شک شامل تصمیم‌گیری درباره سطح شفافیت سازمانی نیز می‌شود. آیگر [۶۳] بیان می‌کند سطح توانایی مدیرعامل ممکن است عامل تأثیرگذار بر سطح شفافیت اطلاعاتی شرکت باشد؛ در حالی که مدیرعامل از توانایی‌های خود آگاه است، اما ممکن است سرمایه‌گذاران قادر به مشاهده کامل آنها نباشند. از سوی دیگر، مدیرعامل شرکت می‌داند بازار توانایی‌های او را از طریق ویژگی‌های شرکت، مثل عملکرد شرکت یا موفقیت سرمایه‌گذاری یا تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست‌های تحقیق و توسعه ارزیابی خواهد کرد [۶۳]. مقالات متعددی رابطه بین توانایی مدیران شرکت و عملکرد شرکت را بررسی کردند و نشان دادند مدیران اجرایی با توانایی بیشتر، عملکرد بهتر شرکت را برای سهامداران خود به ارمغان خواهند آورد [۳۲، ۴۴، ۵۹، ۶۴]. مدیران اجرایی بسیار موفق، ممکن است تصمیم بگیرند اطلاعات بیشتری را برای افشای اطلاعات درباره مهارت‌های برترشان در اختیار ذی‌نفعان قرار دهند، در حالی که مدیران اجرایی کم‌توان ممکن است به دلیل توانایی‌های پایین خود، اطلاعات کامل و دقیقی به بازار ارائه ندهند و حتی اطلاعات گمراه‌کننده‌ای به بازار ارائه دهند، به طوری که آنها ناکارایی خود را با سطح شفافیت پایین پنهان کنند [۴۵، ۴۸، ۵۸، ۶۰]. پرسش اساسی پژوهش حاضر این است آیا توانایی بالای مدیریت موجب افزایش شفافیت شرکتی می‌شود. شرکت‌هایی که شفافیت

^۱. International Accounting Standard Board

^۲. Financial Accounting Standard Board

اطلاعاتی کمتری دارند، ممکن است بخواهند بهترین مدیران اجرایی را استخدام کنند، اما احتمالاً موفق به انجام چنین کاری نخواهند شد؛ زیرا مدیران اجرایی توانمند می‌خواهند توانایی‌های خود را به بازار نشان دهند و مایل نیستند در شرکتي کار کنند که مانع چنین امری می‌شوند؛ بنابراین، توانایی مدیرعامل، با شفافیت مالی نشان داده می‌شود [۶۳]. شواهد نشان می‌دهد توانایی پایین مدیران و به تبع آن شفافیت ضعیف شرکت، عملکرد شرکت را کاهش می‌دهند و بنابراین موجب کاهش ارزش شرکت در بازار سرمایه می‌شود؛ ولی با وجود این دیده می‌شود مدیران کم‌توان همچنان به کار خود ادامه می‌دهند. توضیح منطقی و قابل اعتماد برای این رویداد، فقدان حاکمیت شرکتي مناسب و ضعف کنترل‌های داخلی شرکت است [۶۳، ۴۱]. با توجه به مباحث گفته شده در بالا، پرسش دوم پژوهش چنین طرح می‌شود که ضعف کنترل‌های داخلی چه تأثیری بر رابطه بین توانایی مدیران و شفافیت شرکتي دارد. در ایران با گذشت زمان، تلاش‌های زیادی برای بهبود کیفیت افشای اطلاعات صورت گرفته است؛ از جمله این تلاش‌ها می‌توان به قانون حاکمیت شرکتي در سال ۱۳۸۶، انتشار گزارش کنترل داخلی در سال ۱۳۹۱، تشکیل کمیته حسابرسی در سال ۱۳۹۱ و مهم‌تر از همه، رتبه‌بندی شرکت‌ها از لحاظ کیفیت افشا اشاره کرد؛ اما همچنان ضعف موجود در شفافیت اطلاعات پابرجاست. بر همین اساس، شناخت و کشف عوامل تأثیرگذار بر افشای اطلاعات شرکت‌ها، به خصوص در کشورهایی با حاکمیت شرکتي ضعیف و اقتصاد نوظهوری همچون ایران، اهمیت به سزایی دارد [۱۵].

شفافیت اطلاعاتی شاخص عملکرد مدیریت در ارائه اطلاعات ضروری به شکلی صحیح، روشن، به موقع و دردسترس است. این شاخص منعکس‌کننده

این است که آیا سرمایه‌گذاران، تصویری واقعی از آنچه واقعاً در داخل شرکت روی می‌دهد، دارند یا نه. بوشمن و همکاران (۲۰۰۴)، شفافیت اطلاعات مالی را توان دسترسی گسترده به اطلاعات مربوط و قابل اتکا درباره عملکرد مالی، وضعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، حاکمیت، ارزش و خطرپذیری شرکت‌ها در اقتصاد تعریف کرده‌اند. شفافیت در اطلاعات مالی از یک سو به سهامداران خرد اطمینان می‌دهد همواره اطلاعات قابل اتکا درباره ارزش شرکت دریافت می‌کنند و سهامداران عمده و مدیران در پی تضییع حقوق آنها نخواهند بود، از سوی دیگر، شفافیت در اطلاعات مالی، مدیران را برای تلاش در جهت افزایش ارزش شرکت به جای پیگیری منافع شخصی کوتاه مدت ترغیب می‌کند [۲۴].

وجود گزارش نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی می‌تواند اطلاعاتی درباره ضعف‌ها و نحوه عملکرد مدیریت به استفاده‌کنندگان بدهد. در ایران بعد از تصویب ماده ۱۸ قانون بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت ملزم به تهیه گزارشی درباره کنترل داخلی و همچنین، طراحی و استقرار گزارش کنترل داخلی است [۸]. مسئولیت چارچوب کنترل‌های داخلی بر عهده هیئت مدیره است و آن وسیله‌ای است که موجب می‌شود نسبت به ارقام و اطلاعات حسابداری اطمینان بیشتری حاصل شود [۷].

با توجه به اهمیت بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر شفافیت شرکتي و نقش اثر تعدیلگری ضعف کنترل‌های داخلی در این خصوص، در پژوهش حاضر رابطه توانایی مدیریت و شفافیت شرکتي با تأکید بر ضعف کنترل‌های داخلی بررسی می‌شود. در ادامه، ساختار پژوهش حاضر با تبیین پیشینه نظری و تجربی شروع، سپس روش‌شناسی پژوهش معرفی

می‌شود و درنهایت، یافته‌های پژوهش مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد.

پیشینه نظری پژوهش

توانایی مدیریت و شفافیت شرکتی

در ادبیات حسابداری، توانایی مدیریت یکی ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌هاست که به‌عنوان دارایی نامشهود طبقه‌بندی می‌شود؛ برای مثال، دم‌ریجان و همکاران [۳۸]، توانایی مدیریت را به‌عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. این منابع تولید درآمد در شرکت‌ها شامل بهای موجودی‌ها، هزینه‌های اداری و توزیع و فروش، دارایی‌های ثابت، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود شرکت می‌شود. توانایی مدیریتی بهتر به مدیریت کاراتر عملیات روزانه شرکت منجر می‌شود؛ به‌خصوص، در دوره‌های بحرانی عملیات که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت دارد [۳۹]. به‌طوری که اندرو و همکاران [۳۰] نشان دادند توانایی مدیریت با عملکرد شرکت رابطه مثبت و معنادار و با عدم‌تقارن اطلاعاتی رابطه معکوس و معنادار دارد. افزون بر آن، در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبه‌روست، مدیران تواناتر تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت [۳۰]. سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در پروژه‌های با ارزش‌تر و مدیریت کارای کارکنان نیز از ویژگی‌های مدیران توانمند است. در نتیجه در کوتاه‌مدت انتظار می‌رود مدیران تواناتر بتوانند درآمد بیشتری با استفاده از سطح معینی از منابع کسب کنند، یا با استفاده از منابع کمتر، به سطح معینی از درآمد دست یابند و برعکس، تصمیمات ضعیف و مهارت پایین مدیریت در رهبری می‌تواند شرکت را به سمت ورشکستگی سوق دهد [۳۹]. در مقالات متعددی

از جمله برتراند و شوار (۲۰۰۳)، فالاتو و همکاران (۲۰۰۹)، گونزالس (۲۰۰۶) و ایگر (۲۰۱۵) رابطه بین توانایی مدیران و عملکرد شرکت بررسی شد و نتایج نشان داد مدیران اجرایی با توانایی بیشتر، عملکرد بهتر شرکت را برای سهامداران خود به ارمغان می‌آورند [۳۲، ۴۴، ۵۹، ۶۴]. همچنین، پژوهش ایگر [۶۳] نشان داد مدیران با توانایی بالا، سطح شفافیت شرکتی بالاتری دارند و برعکس، مدیران کم‌توان عملکرد ضعیف خود را با کاهش شفافیت شرکت پنهان می‌کنند. کاشانی‌پور و همکاران [۱۷]، طی پژوهشی نشان دادند توانایی مدیریت بر شدت رابطه کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر ندارد. فروغی و همکاران [۱۶] در پژوهشی نشان دادند کیفیت گزارشگری مالی باعث کاهش تأثیر مثبت توانایی مدیریتی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود.

مدیران توانمندتر دانش و آگاهی بیشتری در ارتباط با مشتریان و شرایط کلان اقتصادی دارند و قادرند درک بهتری در ارتباط با استانداردهای پیچیده‌تر داشته باشند و آنها را به‌درستی اجرا کنند. مدیران توانمند قادر به انجام قضاوت صحیح هستند؛ همچنین، پیش‌بینی‌های دقیق‌تری نسبت به سایر افراد انجام می‌دهند. آنها دارای توانایی ترکیب بهتر اطلاعات برای انجام پیش‌بینی‌های قابل‌اعتمادتر هستند که به گزارش‌های باکیفیت‌تر منجر می‌شود [۲۵]. چامر و پاگلیس [۳۵] و چامر و همکاران [۳۶] در پژوهش خود بیان کردند بنگاه اقتصادی با مدیر توانا، عدم‌تقارن اطلاعاتی کمتری دارد و سرمایه‌گذاران ارزش چنین شرکتی را به‌خوبی درک می‌کنند. به عبارت دیگر، مدیران تواناتر قادرند از طریق کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی، ارزش ذاتی شرکت را بهتر به سرمایه‌گذاران منتقل کنند؛ بنابراین، چنین

شرکتی از اهرم مالی خود می‌کاهد و در هنگام تأمین مالی به افزایش سرمایه از طریق منابع داخلی روی خواهد آورد.

شفافیت اطلاعات مالی را دسترسی گسترده به اطلاعات مربوط و قابل اتکا درباره عملکرد، وضعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، حاکمیت و ارزش و خطرپذیری شرکت‌ها در اقتصاد تعریف کرده‌اند. صورت‌های مالی هنگامی شفاف هستند که دارای ویژگی‌هایی از قبیل دردسترس بودن، قابل اتکا بودن، جامع بودن، مربوط بودن و به موقع بودن باشند. مشارکت‌کنندگان بازار همیشه به دنبال اطلاعات مالی با کیفیت هستند؛ زیرا اطلاعات باکیفیت است که قابل اتکاست و عدم تقارن اطلاعاتی را به نحو صحیح کاهش می‌دهد [۱۰]. بارنی و همکاران [۳۴] نشان دادند اگر مدیران اطلاعات خصوصی را در اختیار بگیرند و از افشای آنها خودداری کنند، این کار عدم تقارن اطلاعاتی را در نتیجه انتخاب نامساعد و خطر اخلاقی در پی خواهد داشت. پژوهشگران دیگری نیز نشان دادند هنگام افزایش عدم تقارن اطلاعاتی شاهد افزایش حجم معاملات نیز خواهیم بود [۴۲، ۵۳]. به طوری که فاسیو و همکاران [۴۶] نشان دادند عدم شفافیت، سهامداران خارجی را تشویق می‌کند که سهام خود را به فروش برسانند. همچنین، اندرسون و همکاران [۳۱] نشان دادند کیفیت افشا در مقابل سایر ناپایداری‌های شرکت برای سرمایه‌گذاران اهمیت بیشتری دارد. کیفیت صورت‌های مالی افشا شده از سوی شرکت‌ها برای استفاده‌کنندگان این اطلاعات از اهمیت درخور توجهی برخوردار است. این اطلاعات مالی کمک می‌کند تا سهامداران عملکرد گذشته شرکت، توانایی، ضعف‌ها، نقدینگی، توانایی پرداخت دیون و اثربخشی مدیریت را ارزیابی کنند. یکی از اندیشمندان

حسابداری به نام اسپنسن^۱ بیان می‌کند عدم تقارن اطلاعاتی در بازارهای سرمایه موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذاران و سهامداران می‌شود و بخش عمده‌ای از این عدم تقارن اطلاعاتی، وجود اطلاعات نهانی است و اطلاعات نهانی در بازار نشان‌دهنده نبود شفافیت است [۶]. همچنین، اندرسون و همکاران [۳۰] نشان دادند نبود شفافیت موجب بروز اختلاف شدید بین مؤسسان و سهامداران اقلیت می‌شود.

شفافیت باعث کاهش عدم اطمینان بازار درخصوص تصمیمات آتی قانونگذاران می‌شود و در نتیجه، قابلیت پیش‌بینی سیاست‌های پولی و کارایی بازارهای مالی را افزایش می‌دهد. پژوهش سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (۲۰۰۴) نشان داد کشورهایی که محیط تصمیم‌گیری شفاف دارند، عملکرد بهتری نیز در بازارهای مالی بین‌المللی داشته‌اند [۹]. مدیران شرکت‌ها به عنوان مباشران سهامداران به شمار می‌روند؛ اما سهامداران اطلاعات ناقصی درخصوص نحوه عملکرد شرکت دارند. از این رو، اطلاعات نقش انکارناپذیری در کاهش مشکلات مباشرت دارد. شفافیت و افشای مناسب که باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات می‌شود، جزئی جدایی‌ناپذیر از نظام راهبری شرکت‌هاست و بر اساس تحقیقات انجام شده، شرکت‌هایی که شفافیت بیشتری داشته‌اند، بیشتر از شرکت‌های دیگر در بازار ارزشگذاری شده‌اند [۴۹]. از سوی دیگر، دمیریجان و همکاران [۳۹] نشان دادند مدیران توانا تر به ایجاد درآمد بالاتری منجر می‌شوند. همچنین، ایگر [۶۳] نشان داد مدیران توانمند بر افزایش عملکرد شرکت تأثیر دارند و خواستار بهبود سطح شفافیت شرکت‌اند.

1. Spencen

2. organization for economic co-operation and development (OECD)

تخصیص بهینه منابع با اطلاعات معتبر، به موقع، قابل اتکا، بی طرف و منصفانه حاصل می شود. اطلاعات زیاد لزوماً به افزایش اطمینان منجر نمی شود؛ شفافیت اطلاعات است که عدم اطمینان را کاهش می دهد. کاهش عدم اطمینان موجب کاهش هزینه سرمایه شده که شرکت‌ها را برای رشد و توسعه مداوم یاری می کند [۹]. هیلی و پالپو [۵۰] معتقدند شرکت‌ها می توانند با گزارشگری مالی و افشای اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی و تضادهای نمایندگی بین مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی را کاهش دهند. از این رو، کیفیت افشا، بر تصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیر می گذارد. مزایای بالقوه افشا و شفافیت بیشتر می تواند شامل هزینه سرمایه کمتر [۳۳، ۴۰]، کاهش هزینه‌های نمایندگی [۵۷]، بهبود قیمت سهام [۴۷، ۵۶] و افزایش ارزش شرکت [۳۷] باشد.

رابطه متغیرهای کنترلی با شفافیت شرکتی

جنسن (۱۹۸۶) جریان‌های نقد آزاد را یکی از منابع مشکلات نمایندگی معرفی کرد. وی معتقد است جریان‌های نقدی آزاد به دلیل ایجاد فرصت سوءاستفاده برای مدیران، باعث تشدید مشکل نمایندگی می شود. بر اساس نظریه جریان وجه نقد آزاد جنسن، مدیران انگیزه دارند وجه نقد را انباشت کنند تا منابع تحت کنترل خود را افزایش دهند و بتوانند در زمینه تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شرکت از قدرت قضاوت و تشخیص بهره‌مند شوند. به همین دلیل، با وجه نقد شرکت فعالیت می کنند تا از این طریق مجبور به ارائه اطلاعات مشروح به بازار سرمایه نشوند. فرضیه جریان وجه نقد آزاد جنسن (۱۹۸۶) بیان می کند شرکت‌های با رشد کم و جریان وجه نقد آزاد بالا به احتمال زیاد در طرح‌های بی ارزش

سرمایه‌گذاری می کنند. این شرکت‌ها تمایل به سرمایه‌گذاری بیش از حد دارند و در خرید به گونه‌ای غیربهینه عمل می کنند. هرچه کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت بیشتر باشد، مسأله سرمایه‌گذاری بیش از حد کمتر به وجود می آید و این رابطه با شرکت‌های دارای جریان وجه نقد آزاد بالا بیشتر رخ می دهد [۵]؛ زیرا افشای اطلاعات مالی هزینه‌های نمایندگی را کاهش می دهد [۲۳]. کیفیت افشا اطلاعات خصوصی را به اطلاعات عمومی تبدیل می کند و عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهامداران بیرونی را کاهش می دهد [۱۱].

السعید (۲۰۰۶) برای نخستین بار متغیر سن شرکت را به عنوان یکی از عوامل بالقوه تأثیرگذار بر سطح افشا آزمون کرد. منطق انتخاب این متغیر بر این اساس تکیه دارد که شرکت‌های مسن تر، رویه‌های گزارشگری مالی خود را در طی سال‌ها توسعه داده‌اند [۲۷]. اوسو آنساه (۱۹۹۸) در دفاع از تأثیر احتمالی مثبت سن شرکت بر میزان افشای اطلاعات استدلال می کند شرکت‌های جوان تر به دلیل ملاحظات رقابتی ممکن است ترجیح دهند اطلاعاتی از جمله مخارج پژوهش و توسعه، مخارج سرمایه‌ای و توسعه محصولات را افشا نکنند؛ همچنین، هزینه و مشکلات جمع‌آوری، پردازش و انتشار اطلاعات برای شرکت‌های جوان تر به مراتب سنگین تر است [۶۰].

متخصصان زیادی اعتقاد دارند شرکت‌های با اهرم بدهی بالا، مستعد هزینه نمایندگی بالاتر هستند و مجبورند اطلاعات بیشتری را برای راضی نگه داشتن نیازهای اطلاعاتی اعتباردهندگان افشا کنند. جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) عنوان می کنند تضادهای نمایندگی به واسطه وجود اعتباردهندگان در ساختار سرمایه شرکت تشدید می شود و به همین دلیل، نظریه نمایندگی پیش‌بینی می کند مفاد پیشگیرانه در

قراردادهای بدهی گنجانده شود [۵۹]. احمد و نیکلاس (۱۹۹۴) این گونه استدلال می‌کنند که در کشورهایی که مؤسسه‌های مالی یک منبع اولیه برای تأمین وجوه شرکت‌ها هستند و در نتیجه، بدهی بالایی در ترازنامه شرکت‌ها گزارش می‌شود، اطلاعات بیشتری در گزارش‌های سالانه افشا می‌شود. همچنین، این شرکت‌ها تمایل به تهیه گزارش‌های با جزئیات‌تر برای دریافت وجوه از مؤسسات مالی دارند [۲۸].

شرکت‌های بزرگ‌تر بیش از شرکت‌های کوچک در معرض موشکافی و بررسی عموم قرار دارند و از این نظر تمایل به افشای میزان بیشتری اطلاعات دارند. همچنین، شرکت‌های بزرگ‌تر منابع و امکانات بیشتری برای جمع‌آوری، تحلیل و ارائه اطلاعات وسیع با هزینه حداقل دارند [۲۷]. افشای اطلاعات بیشتر به شرکت‌های بزرگ‌تر اجازه می‌دهد وجوه بیشتری را با هزینه سرمایه کمتر به دست آورند [۲۹]. هزینه نمایندگی برای شرکت‌های بزرگ بیشتر است؛ زیرا سهامداران گسترده‌اند و افشای اطلاعات بیشتر به کاهش هزینه نمایندگی بالقوه کمک می‌کند [۶۰]. با وجود این، استدلال رابطه مستقیم بین اندازه شرکت و افشای اطلاعات مطلق نیست؛ برای مثال، جنسن و مک لینگ (۱۹۷۶) استدلال متفاوتی آورده‌اند مبنی بر اینکه شرکت‌های بزرگ قاعداً باید به دلیل هزینه‌های سیاسی بالاتر، مقررات سرسختانه‌تر، مالیات و نیز مقررات اجتماعی، انگیزه‌ای برای مضایقه از انتشار اطلاعات داشته باشند [۵۹]. با این حال، بجز چند مورد بسیار نادر، پژوهش‌های تجربی رابطه مستقیم بین اندازه شرکت و سطح افشای اطلاعات را تأیید می‌کنند.

سینگوی و دیسای (۱۹۷۱) ادعا می‌کنند سودآوری بالاتر باعث می‌شود مدیریت اطلاعات بیشتری برای نشان دادن توانایی‌اش در حداکثرکردن سرمایه

سهامداران و افزایش پاداش مدیریتی خود نشان دهد [۲۹]. در مقابل مدیرانی که سودآوری پایین را تجربه می‌کنند، احساس تهدید می‌کنند و سعی دارند نتایج ضعیفشان را با افشای اطلاعات کمتر محو کنند [۲۸]. واتز و زیمرمن (۱۹۸۶) استدلال می‌کنند شرکت‌های با سودآوری بالاتر، بیشتر در معرض مداخله قانون هستند و بیشتر به افشای جزئیات اطلاعات در گزارش‌های سالانه خود تمایل دارند تا عملکرد مالی‌شان را توجیه کنند و هزینه‌های سیاسی را کاهش دهند. نظریه نمایندگی می‌گوید مدیران شرکت‌های سودآورتر تمایل دارند افشای بیشتری انجام دهند تا مزایای شخصی بیشتری دریافت کنند [۶۶].

نقش تعدیلگری ضعف کنترل‌های داخلی

کنترل داخلی فرایندی است که از هیئت‌مدیره، مدیریت و دیگر افراد واحد تجاری تأثیر می‌پذیرد. این فرایند باید اطمینان معقولی را در خصوص دستیابی به هدف‌هایی همچون اثربخشی و کارایی عملیات، قابلیت اتکای گزارشگری مالی و تطابق فعالیت سازمان و گروه‌های کاری با قوانین کاربردی و الزام نهادهای قانون‌گذار، فراهم کند. استفاده از قوانین و الگوهای مختلف کنترل داخلی، بیان‌کننده مسئولیت پاسخگویی مدیران در قبال اعتبار و شفافیت اطلاعات مالی منتشرشده‌شان است. نیاز به سیستم کنترل داخلی اثربخش به‌عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از سیستم مدیریت کارا، مورد توجه جدی قرار گرفته است. سیستم کنترل داخلی، سیستمی پویاست که انواع خطرات و انحراف از سیاست‌ها و رویه‌ها را پوشش می‌دهد. از آنجا که سیستم‌های کنترل داخلی تحت طراحی و نظارت مدیران است، طراحی و ارزیابی سیستم‌های کنترل داخلی مؤثر برای مدیریت اهمیت حیاتی دارد [۲۱]. در این رابطه، ایلیف [۵۲]

پیشینه تجربی پژوهش

پژوهش‌های خارجی

اُیگر [۶۳] در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریت و شفافیت شرکتی نشان داد توانایی مدیریت موجب افزایش شفافیت شرکت می‌شود و در پژوهش خود برای اندازه‌گیری شفافیت شرکتی از متغیرهای عدم تقارن اطلاعاتی و عدم اطمینان بهره برده است. همچنین نشان داد سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر روابط یادشده تأثیر معنادار دارد و موجب تعدیل این روابط می‌شود. دم‌ریجان و همکاران [۳۸] در پژوهش خود نشان دادند کیفیت سود شرکت‌ها، رابطه مثبت و معناداری با توانایی مدیریت آن شرکت دارد. مدیران توانا تر درآمدهای بالاتر، کیفیت سود بیشتر، خطای کمتر در تأمین مالی نامناسب از طریق استقراض ایجاد می‌کنند. اندرو و همکاران [۳۰] در پژوهشی نشان دادند توانایی مدیریت با عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری دارد؛ همچنین با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معکوس و معناداری دارد. هویتاش و جانسون [۵۱] در پژوهشی با عنوان «نقاط ضعف کنترل‌های داخلی و پاداش مدیر ارشد امور مالی» به این نتیجه رسیدند افشای نقاط ضعف کنترل‌های داخلی نشان‌دهنده ضعف در عملکرد مدیر است و شرکت‌هایی با تجربه قوی مدیریتی بعد از افشای نقاط ضعف شاهد کاهش بیشتری در پاداش نسبت به شرکت‌های با تجربه مدیریتی ضعیف‌تر هستند. اندرسون و همکاران [۳۱] در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های سهامی خاص سطح شفافیت کمتری نسبت به شرکت‌های سهامی عام دارند و این امر ناشی از نوع مدیریت در این نوع شرکت‌ها می‌شود و مؤسسان در شرکت‌های سهامی خاص با ایجاد شفافیت پایین سعی در ایجاد مزایای بیشتر برای

شواهدی را در رابطه با تأثیر مستندسازی و ارزیابی کنترل‌های داخلی بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی ارائه کرده است.

بر اساس مبانی نظری بیان‌شده، در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری شفافیت شرکتی از چهار شاخص بر اساس تحقیقات داخلی و خارجی استفاده شده است. شاخص‌های مذکور عبارت‌اند از عدم تقارن اطلاعاتی و حجم معاملات به‌عنوان معیاری برای عدم اطمینان [۳۰، ۴۰، ۵۴، ۶۳]، مربوط بودن اطلاعات و قابل اتکا بودن اطلاعات [۱۰، ۱۵، ۲۰]. شاخص سوم و چهارم از جمله شاخص‌های رایج درخصوص شفافیت شرکت هستند و سازمان بورس اوراق بهادار در ایران سالانه آن را با عنوان کیفیت افشا منتشر می‌کند. شاخص اول و دوم کمتر در پژوهش‌های داخلی استفاده شده‌اند و اندازه‌گیری سطح شفافیت شرکت با استفاده از این شاخص‌ها و مقایسه نتایج با شاخص‌های داخلی نتایج ارزشمند و جامعی در این خصوص ارائه می‌کند. امروزه شفافیت یکی از متغیرهای حیاتی و تأثیرگذار در کارایی بازار سرمایه است و بی‌شک توانایی مدیریت به‌عنوان بالاترین رکن اداره‌کننده شرکت، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری هرچه بهتر آن دارد و این تأثیر در صورت وجود ضعف در کنترل‌های داخلی شرکت اهمیت بیشتری می‌یابد. به همین دلیل، شناخت عوامل تأثیرگذار بر سطح و کیفیت افشا، در جهت تشخیص کاستی‌ها و موانع موجود در مقابل شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها و بهبود وضعیت اطلاع‌رسانی آنها راهگشاست و در نهایت به کارایی بیشتر بازار سرمایه و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و منطقی‌تر سرمایه‌گذاران در خصوص تخصیص منابع مالی به شرکت‌ها منجر می‌شود.

سرمایه‌گذاران وجود داشته است و این امر در دوره‌های قبل از اعلان سود به مراتب بیشتر از دوره‌های پس از اعلان سود است. همچنین مشخص شد عدم تقارن اطلاعاتی با حجم مبادلات و قیمت سهام مرتبط بوده است؛ به طوری که در دوره قبل از اعلان سود حجم مبادلات افزایش می‌یابد و قیمت سهام شرکت‌ها نیز دچار نوسان می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

مطابق با موضوع پژوهش حاضر و بر اساس پژوهش‌های دیگر (۲۰۱۷) [۶۳] و اندرسون و همکاران (۲۰۰۹) [۳۱] فرضیه‌های زیر مطرح است:

فرضیه اصلی ۱: توانایی مدیریت بر شفافیت اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱-۱: توانایی مدیریت بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱-۲: توانایی مدیریت بر عدم اطمینان محیطی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱-۳: توانایی مدیریت بر به موقع بودن اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱-۴: توانایی مدیریت بر قابلیت اتکای اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

فرضیه اصلی ۲: ضعف کنترل‌های داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و شفافیت اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۲-۱: ضعف کنترل‌های داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و عدم تقارن اطلاعاتی در

خود دارند. دایموند و ورشیا [۴۰] در پژوهشی نشان دادند افشای شفاف اطلاعات عمومی باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی شده و در نتیجه با افزایش تقاضای سهام شرکت موجب کاهش هزینه سرمایه می‌شود. لانگ و لاند هولم [۵۵] در پژوهشی با عنوان «سیاست افشای شرکت و رفتار تحلیلگران» نشان دادند افشای مناسب موجب افزایش سرمایه‌گذاران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود و در نهایت هزینه سرمایه را نیز کاهش می‌دهد. همچنین، پژوهشگرانی چون کیلی (۱۹۸۵) و ایزلی و اوهارا (۱۹۹۲) در یافته‌های خود پی‌بردند هنگامی که عدم تقارن اطلاعاتی افزایش یابد شاهد افزایش حجم مبادلات نیز خواهیم بود [۴۲، ۵۳].

پژوهش‌های داخلی

کاشانی‌پور و همکاران [۱۷] در پژوهش خود به این رسیدند که توانایی مدیریت بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری تأثیرگذار نیست. فروغی و همکاران [۱۶] در پژوهشی نشان دادند کیفیت گزارشگری مالی باعث کاهش تأثیر مثبت توانایی مدیریتی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود. سپاسی و همکاران [۱۳]، در پژوهشی با عنوان تأثیر توانایی مدیریت بر تجدید ارائه صورت‌های مالی با تأکید بر انگیزه‌های فرصت طلبانه دریافتند فقط هنگامی بین توانایی مدیریت با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد که نوع رفتار مدیریت، فرصت طلبانه باشد. مرادزاده‌فرد و همکاران [۲۲] در پژوهشی نشان دادند عدم اطمینان اطلاعاتی رابطه مستقیمی با عدم تقارن اطلاعاتی و فرصت‌های رشد دارد. قائمی و وطن‌پرست [۱۸] در پژوهشی نشان دادند در طی دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳، عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران بین

شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۲-۲: ضعف کنترل‌های داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و عدم اطمینان محیطی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۲-۳: ضعف کنترل‌های داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و به موقع بودن اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۲-۴: ضعف کنترل‌های داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و قابلیت اتکا اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است و چون از اطلاعات تاریخی استفاده می‌شود از نوع پس‌رویدادی و در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که از روش رگرسیون چندمتغیره و الگوهای اقتصادسنجی انجام شده است. فرضیه‌های پژوهش بر اساس داده‌های ترکیب آزمون شده است. برای گردآوری داده‌ها در رابطه با متغیرهای کنترلی و متغیر مستقل از اطلاعات صورت‌های مالی و یادداشت‌های پیوست آن با مراجعه به سایت کدال^۱، داده‌های مربوط به شاخص‌های متغیر وابسته از سایت کدال و سایت بورس اوراق بهادار تهران^۲ و در رابطه با متغیر تعدیلگر از گزارش حسابرسی استفاده شده است. تحلیل‌های آماری به کمک نرم‌افزار stata نسخه ۱۵، همچنین برای نرمال‌سازی متغیرهای وابسته پژوهش،

از نرم‌افزار minitab نسخه ۱۶ استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را شرکت‌های سهامی عام پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهند. قلمرو زمانی نیز برای یک دوره ده‌ساله از سال ۱۳۸۷ لغایت پایان سال ۱۳۹۶ تعیین شده است. لازم به توضیح است در محاسبه رشد فروش از داده‌های سال ۱۳۸۶ نیز بهره گرفته شده است. همچنین به دلیل اینکه داده‌های مربوط به امتیاز افشا از سال ۱۳۸۷ به بعد در دسترس بود، شروع بازه زمانی از سال ۱۳۸۸ در نظر گرفته شد و امکان انتخاب بازه ۱۵ یا ۲۰ ساله وجود نداشت. دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعاتی شرکت‌های ثبت‌شده نزد بورس اوراق بهادار تهران در تاریخ ۱۳۸۶/۰۵/۰۳ ابلاغ شده است.

نمونه آماری این تحقیق آن‌دسته از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار است که دارای شرایط زیر باشند:

۱. تا پایان اسفند ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 ۲. سهام شرکت در طول هر یک از سال‌های مورد پژوهش معامله شده باشد.
 ۳. داده‌های مورد نیاز آنها در دسترس باشد.
 ۴. جزء بانک‌ها، شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری، لیزینگ، بیمه‌ای و ... نباشند.
 ۵. در طی دوره تحقیق سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 ۶. شرکت‌های انتخابی نباید دارای حقوق صاحبان سهام منفی باشند.
- با توجه به محدودیت‌های بیان‌شده، تعداد ۱۲۲ شرکت و تعداد ۱۰۹۸ سال-شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. نحوه انتخاب نمونه آماری بر اساس محدودیت‌های فوق در نگاره (۱) نشان داده شده است:

^۱. www.Codal.ir

^۲. www.Tse.ir

نگاره ۱- نمونه آماری پژوهش

۱۶۳۰	تعداد شرکت‌های جامعه آماری
۲۴	کسر می‌شود: بانک‌ها
۲۴	کسر می‌شود: بیمه‌ها
۷۷	کسر می‌شود: شرکت‌های سرمایه‌گذاری
۱۰۴	کسر می‌شود: شرکت‌های دارای سال مالی غیر از ۲۹ اسفندماه
۱۱۵	کسر می‌شود: شرکت‌های حذف‌شده توسط بورس
۹	کسر می‌شود: سایر واسطه‌گرانی پولی مالی
۱۷	کسر می‌شود: صندوق‌های سرمایه‌گذاری
۳۴	کسر می‌شود: واسطه‌گران پولی
۱۰۴	کسر می‌شود: شرکت‌های دارای نسبت بدهی به دارایی بیش از یک (حقوق صاحبان سهام منفی) عدم دسترسی به داده، نداشتن اطلاعات در بازه زمانی مورد نظر این پژوهش
۱۲۲	شرکت‌های نمونه آماری

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: توانایی مدیریت

برای اندازه‌گیری توانایی مدیریت از الگوی دمیریجان و همکاران [۳۹] استفاده شده است که در الگوی فوق، برای اندازه‌گیری توانایی‌های مدیریت، ابتدا کارایی شرکت‌ها به کمک روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) محاسبه شد. سپس با قراردادن داده‌های مربوط به کارایی در الگوی دمیریجان و همکاران به‌عنوان متغیر وابسته و با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص شرکت در الگو، باقی‌مانده‌های الگو نشان‌دهنده توانایی مدیران شرکت‌ها خواهد بود، هرچه باقی‌مانده‌های الگو بیشتر باشد، توانایی مدیران بیشتر خواهد بود. تحلیل پوششی داده‌ها، کارایی نسبی واحدهایی را اندازه‌گیری می‌کند که ورودی‌ها و خروجی‌های مشابهی دارند. کارایی یا ناکارایی هر واحد تصمیم‌گیرنده به عملکرد آن واحد در انتقال ورودی‌ها به خروجی‌هایش

در مقایسه با سایر واحدها در حوزه‌ای خاص، بستگی دارد. این روش، مرز کارایی را بین صفر و ۱ برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند. شرکت‌هایی با نمره کارایی ۱ شرکت‌هایی بسیار کارا هستند و شرکت‌هایی با نمره کارایی کمتر از ۱ زیر مرز کارایی قرار دارند و باید با کاهش هزینه‌ها یا افزایش درآمدها به مرز کارایی برسند [۳۹]. در این پژوهش سنجش کارایی شرکت از طریق تحلیل پوششی داده‌ها، برگرفته از الگوی دمیریجان و همکارانش [۳۹] است. پژوهش حاضر، مشابه روش یادشده برای بیان خروجی شرکت از متغیر فروش شرکت استفاده می‌کند و برای ورودی از دارایی‌های ثابت، دارایی‌های نامشهود، بهای تمام‌شده، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و مخارج تحقیق و توسعه بهره می‌برد. در الگوی دمیریجان و همکارانش [۳۹]، برای تعیین کارایی شرکت با بهره‌گیری از تحلیل پوششی از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$\text{رابطه (۱)} \quad \text{Sales}_{it} = \frac{\text{Sales}_{it}}{V_1 \text{COGS}_{it} + V_2 \text{SG\&A}_{it} + V_3 \text{PPE}_{it} + V_4 \text{OTHERINTAN}_{it} + V_5 \text{R\&D}_{it}} \quad \text{Max}_{\theta}$$

۱. تعداد شرکت‌های عضو جامعه آماری پژوهش از نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شده است.

در این رابطه:

$SALES_{it}$: بیانگر درآمد حاصل از فروش برای شرکت i در سال t است.

$COGS_{it}$: بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته برای شرکت i در سال t است.

$SG\&A_{it}$: هزینه اداری عمومی و فروش شرکت i در سال t است.

PPE_{it} : خالص دارایی‌های ثابت شرکت i در سال t است.

$OTHERINTAN_{it}$: دارایی نامشهود برای شرکت i در سال t است.

$R\&D_{it}$: هزینه‌های پژوهش

MAX_{θ} : کارایی شرکت i در سال t است.

کارایی شرکت‌ها متأثر از دو عامل ویژگی‌های خاص شرکتی و توانایی مدیر است، الگوی (۱) این رابطه را نشان می‌دهد، پس از حذف ویژگی‌های خاص شرکتی، مقدار باقی‌مانده بیان‌کننده توانایی‌های مدیر است.

$$\begin{aligned} \text{الگوی} \quad & Firm\ efficiency_{it} \\ & = \beta_0 + \beta_1 Ln(Total\ assets)_{it} \\ & + \beta_2 Market\ Share_{it} \\ & + \beta_3 Positive\ Free\ Cash\ Flow_{it} \\ & + \beta_4 Ln(Age)_{it} \\ & + \beta_5 Foreign\ Currency\ Indicator_{it} \\ & + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (1)$$

که در این الگو:

$Firm\ efficiency_{it}$: امتیاز کارایی شرکت i در سال t که از طریق تحلیل پوششی داده‌ها محاسبه شده است.

$Total\ assets_{it}$: بیانگر جمع دارایی‌های شرکت i در سال t است.

$Market\ Share_{it}$: بیانگر سهم از بازار شرکت i در سال t بوده است که از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{رابطه} \quad & Market\ Share_{it} \\ & = \frac{\text{مقدار فروش در پایان سال } T}{\text{جمع فروش کل صنعت در پایان سال } T} \end{aligned} \quad (2)$$

$Positive\ Cash\ Flow$: بیانگر جریان نقد آزاد مثبت

می‌شود که اگر شرکتی جریان نقد آزاد مثبتی داشته باشد برابر ۱ و در غیر این صورت صفر که برای اندازه‌گیری جریان نقد آزاد از شاخص لن و پولسن [۱۷]، به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{رابطه} \quad & \left(\text{هزینه استهلاک} + \text{سود عملیاتی} \right) = \text{جریان نقد آزاد} \\ & (3) \quad \text{مالیات بر درآمد} - \\ & \quad \text{هزینه بهره} + \\ & \quad \text{سود سهام تقسیمی} \end{aligned}$$

Age_{it} : بیانگر تعداد سال‌های فعالیت شرکت i در سال t از سال تأسیس

$Foreign\ Currency\ Indicator_{it}$: بیانگر ارز خارجی شرکت i در سال t بوده و متغیر مصنوعی است که اگر شرکت صادرات داشته باشد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر است.

متغیر وابسته: شفافیت شرکتی

برای اندازه‌گیری شفافیت شرکتی بر اساس پژوهش‌های خارجی و داخلی از چهار شاخص زیر استفاده می‌شود، شاخص‌های ۱ و ۲ بر اساس پژوهش‌های [۳۰، ۴۰، ۵۴، ۶۳] بوده و شاخص‌های ۳ و ۴ بر اساس پژوهش‌های [۱۰، ۱۵، ۲۰] است.

عدم تقارن اطلاعاتی (SPREAD): برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی از شکاف قیمت پیشنهادی فروش و خرید استفاده می‌شود. بدین منظور، ابتدا برای محاسبه عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران از الگوی زیر استفاده شده است. این الگو را چیانگ و وینکاتش [۳۷]، برای تعیین دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام استفاده کردند. پس از وی نیز افراد دیگری در پژوهش‌های خود از این الگو بهره گرفتند [۱۸، ۳۱، ۴۰، ۵۴، ۶۳]. الگوی یادشده به شرح زیر است:

$$\text{رابطه (۴)} \quad Spread_{it} = \frac{AP-BP}{(AP+BP)/2} * 100$$

Spread: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام

AP: میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام

BP: میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام

عدم اطمینان (UNR): برای اندازه‌گیری عدم اطمینان از میانگین حجم معاملات سالانه شرکت استفاده می‌شود و در نهایت برای همگن‌سازی، لگاریتم آن در الگوی رگرسیونی وارد می‌شود [۳۱، ۴۰، ۵۴، ۶۳، ۶۴].

به موقع بودن اطلاعات (ITI): یکی از شاخص‌های کیفیت افشا است که از طریق سازمان بورس اوراق بهادار بر اساس ضوابط خاص همه‌ساله با عنوان «رتبه‌بندی کیفیت افشا» منتشر می‌شود (سایت کدال). قابل اتکا بودن اطلاعات (IRI): شاخص دوم کیفیت افشا است که همانند شاخص سوم از طرف سازمان بورس اوراق بهادار منتشر می‌شود.

متغیر تعدیلگر: ضعف کنترل‌های داخلی

شاخص برابر یک است، اگر شرکت ضعف عمده در کنترل‌های داخلی داشته باشد و در غیر این صورت برابر صفر می‌شود. برای شناسایی ضعف‌های کنترل‌های داخلی از گزارش‌های حسابرسی و کنترل‌های داخلی شرکت‌ها استفاده شد. در واقع با بررسی گزارش‌های حسابرسی شرکت‌های نمونه و با مشورت از حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، برای اندازه‌گیری این متغیر به گزارش حسابرسی مراجعه و مواردی ضعف شناسایی شد که در بندهای گزارش حسابرس و بازرس قانونی می‌تواند از مصادیق ضعف عمده در کنترل‌های داخلی باشد. از جمله این موارد: ۱- نقص در

محاسبات بهای تمام‌شده؛ ۲- وجود مطالبات عمده مربوط به سنوات گذشته و عدم وصول آنها؛ ۳- نبود پوشش بیمه‌ای کافی برای دارایی‌ها و ۴- سایر موارد با عنایت به اظهار نظر حسابرس در خصوص استقرار و به کارگیری سیستم کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش مطابق با دستورالعمل کنترل‌های داخلی ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران که در بند مربوط به «سایر مسئولیت‌های قانونی و مقرراتی حسابرس» در گزارش حسابرسی موجود می‌شود [۱۹].

متغیرهای کنترلی

مطابق با پژوهش‌های [۱۵، ۳۱، ۴۳، ۶۳]، متغیرهای زیر نیز بر شفافیت شرکتی تأثیرگذار هستند، از این رو، برای بررسی رابطه توانایی مدیریت و شفافیت شرکتی متغیرهای فوق به عنوان متغیری کنترلی وارد الگو می‌شوند:

۱. جریان نقد آزاد مثبت (CFC): این متغیر در قسمت نحوه اندازه‌گیری توانایی مدیریت تشریح شد.

۲. لگاریتم سن شرکت (Age): بر اساس لگاریتم تعداد سال‌های فعالیت شرکت از زمان تأسیس، اندازه‌گیری می‌شود.

۳. رشد فروش (Growth): از تفاوت فروش سال جاری و سال قبل شرکت، تقسیم بر فروش سال قبل شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

۴. اهرم مالی (Lev): از تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

۵. اندازه شرکت (Size): به عنوان لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت لحاظ می‌شود.

۶. بازده دارایی‌ها (ROA): از تقسیم سود خالص بر جمع کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

الگوهای رگرسیونی فرضیه‌های پژوهش

الگوی رگرسیونی برای آزمون فرضیه‌های فرعی در رابطه با فرضیه اصلی اول پژوهش به شرح الگوی (۲) است:

$$Y_{it} = \beta_0 + \beta_1 Mgr\ ability_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_6 Growth_{it} + \beta_7 Roa_{it} + \beta_7 cfc_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

که در آن:

Y_{it} : بیانگر متغیر وابسته الگوست که بر اساس فرضیه‌های فرعی مربوط به فرضیه اول، به ترتیب فرضیه‌ها از چهار شاخص: عدم تقارن اطلاعاتی، عدم اطمینان محیطی، به موقع بودن و قابل اتکابودن اطلاعات استفاده شده است.

از این رو الگوی رگرسیون فوق به چهار الگوی فرعی تبدیل می‌شود:

$$\begin{aligned} SPREAD_{it} &= \beta_0 + \beta_1 Mgr\ ability_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 Roa_{it} + \beta_7 cfc_{it} + \varepsilon_{it} \\ UNR_{it} &= \beta_0 + \beta_1 Mgr\ ability_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 Roa_{it} + \beta_7 cfc_{it} + \varepsilon_{it} \\ ITI_{it} &= \beta_0 + \beta_1 Mgr\ ability_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 Roa_{it} + \beta_7 cfc_{it} + \varepsilon_{it} \\ IRI_{it} &= \beta_0 + \beta_1 Mgr\ ability_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 Roa_{it} + \beta_7 cfc_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

$Mgr\ ability_{it}$: بیانگر توانایی مدیریت شرکت i در سال t است.

Age_{it} : بیانگر لگاریتم سن شرکت i در سال t است.

$Size_{it}$: نشان‌دهنده اندازه شرکت i در سال t است.

Lev_{it} : نشان‌دهنده اهرم مالی شرکت i در سال t است.

$Growth_{it}$: نشان‌دهنده رشد فروش شرکت i در سال t است.

Roa_{it} : بیانگر بازده دارایی‌های شرکت i در سال t است.

CFC_{it} : این متغیر در قسمت نحوه اندازه‌گیری توانایی مدیریت تشریح شد.

ε_{it} : بیانگر جزء اخلاص الگو برای شرکت i در سال t می‌شود.

$$Y_{it} = \beta_0 + \beta_1 Mgr\ ability_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_6 Growth_{it} + \beta_7 Roa_{it} + \beta_8 Mv_{it} + \beta_9 Mv_{it} * Mgr\ ability_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

که در آن:

Mv_{it} : بیانگر ضعف کنترل‌های داخلی شرکت i در سال t است.

از این رو الگوی رگرسیون فوق به چهار الگوی فرعی تبدیل می‌شود:

$$\begin{aligned} SPREAD_{it} &= \beta_0 + \beta_1 Mgr\ ability_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 Roa_{it} + \beta_7 cfc_{it} + \beta_8 Mv_{it} + \beta_9 Mv_{it} * Mgr\ ability_{it} + \varepsilon_{it} \\ UNR &= \beta_0 + \beta_1 Mgr\ ability_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 Roa_{it} + \beta_7 cfc_{it} + \beta_8 Mv_{it} + \beta_9 Mv_{it} * Mgr\ ability_{it} + \varepsilon_{it} \\ ITI &= \beta_0 + \beta_1 Mgr\ ability_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 Roa_{it} + \beta_7 cfc_{it} + \beta_8 Mv_{it} + \beta_9 Mv_{it} * Mgr\ ability_{it} + \varepsilon_{it} \\ IRI &= \beta_0 + \beta_1 Mgr\ ability_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 Roa_{it} + \beta_7 cfc_{it} + \beta_8 Mv_{it} + \beta_9 Mv_{it} * Mgr\ ability_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش در نگاره (۲) و برای متغیرهای کیفی در نگاره (۳) ارائه شده است. با توجه به اینکه مقدار انحراف معیار متغیرهای استفاده‌شده در پژوهش صفر نیست؛ بنابراین، می‌توان متغیرهای مدنظر را در الگو وارد کرد؛ برای نمونه میانگین متغیر به موقع بودن اطلاعات که یکی از شاخص‌های شفافیت شرکتی در پژوهش حاضر می‌شود، برابر ۰/۸۱ و نشان‌دهنده وضعیت مطلوب شرکت‌های نمونه در این زمینه است. کمینه آن نیز برابر ۰/۱۵- و مربوط به «شرکت فراورده‌های نسوز آذر» در سال ۱۳۹۰ است. همچنین، پایین بودن

میانگین عدم تقارن اطلاعاتی به میزان ۰/۰۲۷ گویای پایین بودن شاخص عدم تقارن اطلاعاتی در بین شرکت‌های نمونه بوده است که نشان می‌دهد شرکت‌های نمونه از تقارن اطلاعاتی قابل قبولی برخوردار هستند. میانگین متغیر توانایی مدیریت که متغیر مستقل پژوهش است، برابر ۴/۹۹- و گویای توانایی پایین مدیریت در بین شرکت‌های عضو نمونه پژوهش است. همچنین، مطلب فوق در نتایج تحلیل پوششی داده‌ها نیز قابل تأیید است که امتیاز کارایی شرکت‌ها از آن استخراج شده بود؛ به طوری که میانگین امتیاز کارایی شرکت‌های عضو نمونه برابر ۰/۲۶ بود که شاخصی کمتر از ۵۰ درصد است.

نگاره ۲- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد مشاهده‌ها	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
عدم تقارن اطلاعاتی	۱۰۹۸	۰,۰۲۶	۰,۰۱۲	۰,۰۰۱	۰,۰۷۸
عدم اطمینان اطلاعاتی	۱۰۹۸	۱۰,۱۳	۱,۴۰	۷,۳۹	۱۵,۴۲
به موقع بودن	۱۰۹۸	۰,۷۲۹	۰,۱۶۶	۰,۰۵	۰,۹۹۹
قابل اتکا	۱۰۹۸	۰,۶۷۴	۰,۱۹۰	۰,۰۳	۱۰۰٪
توانایی مدیریت	۱۰۹۸	-۰,۰۰۰۸	۰,۱۴۴	-۰,۴۶۶	۰,۸۵۷
لگاریتم سن شرکت	۱۰۹۸	۲,۸۵	۰,۶۹۶	۰,۶۳۹	۴,۰۹
اهرم مالی	۱۰۹۸	۰,۵۸۵	۰,۱۸۴	۰,۰۹۰	۰,۹۹۱
اندازه شرکت	۱۰۹۸	۱۳,۸۹	۱,۵۲	۱۰,۵۰	۱۹,۱۴
رشد فروش	۱۰۹۸	۰,۰۹۲	۰,۲۸۱	-۱,۷۰	۰,۹۰۴
بازده دارایی	۱۰۹۸	۰,۱۲۱	۰,۱۳۰	-۰,۳۷۰	۰,۶۳۱

نگاره ۳- آمار توصیفی متغیرهای کیفی

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
شرکت‌های دارای جریان نقد آزاد مثبت	۷۸۳	۷۱,۳۱
شرکت‌های بدون جریان نقد آزاد مثبت	۳۱۵	۲۸,۶۹
جمع کل	۱۰۹۸	۱۰۰
شرکت‌های دارای ضعف کنترل داخلی	۶۷۹	۶۱,۸۴
شرکت‌های بدون ضعف کنترل داخلی	۴۱۹	۳۸,۱۶
جمع کل	۱۰۹۸	۱۰۰

آمار استنباطی

پیش از تخمین الگوهای پژوهش، در گام اول، نرمال بودن متغیرهای پژوهش را با آزمون جارک-برا بررسی شد. نتایج آزمون جارک-برا نشان داد متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال برخوردار نیستند. در برخی موارد مشاهده می‌شود پژوهشگران برای نرمال کردن باقی‌مانده‌ها اقدام به تبدیل متغیرهای مستقل و وابسته (با استفاده از تبدیلات جانسون) به متغیرهای جدیدی با توزیع نرمال کرده‌اند. باید دقت داشت این کار به تولید متغیرهایی منجر می‌شود که الزاماً از رفتار متغیرهای اولیه تبعیت نمی‌کند و نتایج برآورد الگوی رگرسیونی با این متغیرها غیرقابل اتکاست (افلاطونی، ۱۳۹۶). از آنجا که فرض پنجم رگرسیون یعنی نرمال بودن توزیع جملات اخلال برقرار است، از این رو نیازی به نرمال‌سازی متغیرها نیست.

برای انتخاب الگوی مناسب برآورد الگو، از آزمون چاو و بروش پاگان استفاده شده است، نتایج هر دو آزمون فوق با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد نشان دادند الگوهای موردنظر باید با روش پانل برآورد شوند؛ به همین منظور، برای تعیین الگوی اثرات ثابت یا تصادفی آزمون هاسمن^۲ انجام و با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد در این آزمون، الگوی اثرات ثابت تأیید شد.^۳

به لحاظ اینکه ضریب همبستگی، برای کشف هم‌خطی ساده به کار می‌رود و در پژوهش حاضر از آزمون عامل تورم واریانس برای کشف هم‌خطی ساده تا پیچیده استفاده شده است، از این رو، آزمون ضریب همبستگی انجام نشده است. (افلاطونی، ۱۳۹۶).

در گام دوم مفروضات کلاسیک رگرسیون خطی در رابطه با الگوهای پژوهش بررسی شد. خودهمبستگی سریالی بین باقی‌مانده‌ها با آزمون والدريج^۴ بررسی شده است. سطح معناداری این آزمون در کلیه الگوهای پژوهش زیر ۵ درصد بود که نشان از وجود خودهمبستگی سریالی بین باقی‌مانده است؛ بنابراین، برای رفع آن از دستور corr(ar1) استفاده شد [۳]. همچنین، برای بررسی ناهمسانی واریانس، با توجه به الگوی اثرات ثابت آزمون والد تعدیل شده^۵ استفاده شد. سطح معناداری کمتر از ۵ درصد این آزمون در کلیه الگوها حاکی از وجود ناهمسانی واریانس است که با دستور $\text{panels(heteroskedastic)}$ رفع شد [۳]؛ بنابراین، در پژوهش حاضر در برخی فرضیه‌ها از آزمون فوق نیز استفاده شده است. برای بررسی همبستگی مقطعی باقی‌مانده‌ها از آزمون پسران^۶ استفاده شد. سطح معناداری بیش از ۵ درصد این آزمون برای کلیه الگوهای پژوهش نشان داد مشکل همبستگی مقطعی بین باقی‌مانده‌ها وجود ندارد. در نهایت برای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای پژوهش از آزمون عامل تورم واریانس^۷ استفاده شد و با توجه به نتایج آزمون فوق که در آن سطح معناداری آماره $1/VIF$ در رابطه با کلیه متغیرهای پژوهش بالای ۰/۲ بوده و در برخی موارد به ۱ نزدیک بود، بین متغیرهای پژوهش، هم‌خطی وجود ندارد. نتایج آزمون‌های فوق در رابطه با مفروضات رگرسیون کلاسیک در نگاره (۴) نشان داده شده است. در نهایت، آزمون هم‌جمعی یا مانابودن باقی‌مانده‌ها انجام شد و نتایج نشان داد الگوها به صورت هم‌جمعی مانا هستند و نیازی به مانابودن یکایک متغیرها نیست.

^۱ Chow and breusch pagan^۲ Hausman^۳ نتایج این بخش به علت حجم بالای پژوهش در اختیار پژوهشگران است و در صورت تمایل در اختیار خوانندگان قرار خواهد گرفت.^۴ wooldridge^۵ Modified wald^۶ Pesaran s test^۷ Estat vif

نگاره ۴- نتایج آزمون‌های مربوط به رگرسیون کلاسیک برای فرضیه‌ها

سطح معناداری فرضیه‌ها در رابطه با آزمون‌های مربوط به مفروضات رگرسیون کلاسیک								نام آزمون
۱- تولید	۲- تولید	۳- تولید	۴- تولید	۵- تولید	۶- تولید	۷- تولید	۸- تولید	
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۱۷	خودهمبستگی سریالی
در همه الگوهای رگرسیونی مشکل خودهمبستگی سریالی وجود دارد.								نتیجه آزمون
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	ناهمسانی واریانس
در همه الگوهای رگرسیونی مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد.								نتیجه آزمون
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	آزمون هم‌جمع
تمامی الگوهای رگرسیونی به‌صورت هم‌جمع مانا می‌شوند.								نتیجه آزمون
۱,۲۷	۱,۲۶	۱,۲۵	۱,۳۸	۱,۳۸	۱,۰۸	۱,۷۲	۱,۳۴	هم‌خطی
میانگین عامل تورم واریانس در الگوها کمتر از عدد ۵ می‌شود، مشکل هم‌خطی وجود ندارد.								نتیجه آزمون
۰,۰۷۵	۰,۱۹۷	۰,۷۴۵	۰,۴۰۳	۰,۸۶۵	۰,۰۸۸	۰,۰۹۵	۰,۱۹۸	نرمال‌بودن خطاها
جملات خطای تمامی الگوهای رگرسیونی از توزیع نرمال برخوردار هستند.								نتیجه آزمون
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	آزمون اف لیمر
سطح معناداری اف لیمر کمتر از ۵ درصد می‌شود از این رو الگوی تابلویی مورد تأیید است.								نتیجه
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	آزمون هاسمن
سطح معناداری آزمون هاسمن کمتر از ۵ است، از این رو اثرات ثابت عرض از مبدأ مورد تأیید است.								نتیجه

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه اصلی اول

آزمون فرضیه فرعی اول تا چهارم مربوط به فرضیه اصلی اول

هدف فرضیه اصلی بررسی ارتباط بین توانایی مدیریت و افشای شرکتی می‌شود. از آنجا که در پژوهش حاضر از چهار معیار برای اندازه‌گیری افشای شرکتی استفاده است، فرضیه اصلی در قالب چهار فرضیه فرعی آزمون شد. در جدول ۵، در نتایج فرضیه‌های فرعی اول و دوم مشاهده می‌شود که توانایی مدیریت دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌شود؛ از این رو، دلایلی برای رد فرضیه فرعی اول و دوم وجود ندارد و می‌توان گفت

که توانایی مدیریت از طریق کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی و عدم اطمینان محیطی، شفافیت شرکتی را افزایش می‌دهد. در نتایج مربوط به فرضیه‌های فرعی سوم و چهارم مشاهده می‌شود که توانایی مدیریت دارای ضریب مثبت و سطح معنادار کمتر از ۵ درصد می‌شود. از این رو، دلایل کافی برای رد فرضیه فرعی دوم و سوم وجود ندارد و می‌توان گفت توانایی مدیریت از طریق افزایش امتیاز افشای قابلیت اتکا و به‌موقع‌بودن، باعث افزایش شفافیت شرکتی می‌شود. بررسی اعتبار فرضیه‌ها: در فرضیه‌های فرعی اول تا چهارم سطح معناداری آزمون والد کمتر از ۵ درصد می‌شود؛ از این رو، الگوهای رگرسیونی برازش‌شده از اعتبار کافی برخوردار هستند. همچنین، متغیرهای

توضیحی در فرضیه‌های فرعی اول تا چهارم به ترتیب توانسته‌اند، ۰/۵۵، ۰/۶۵، ۰/۵۳ و ۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. همچنین، آماره دوربین واتسون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد که نشان از نبود خودهمبستگی مرتبه اول در الگوهای رگرسیونی می‌شود.

نگاره ۵- نتایج آزمون آماری فرضیه فرعی اول تا چهارم پژوهش

متغیرها		فرعی اول		فرعی دوم		فرعی سوم		فرعی چهارم	
متغیرها	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب
عرض از مبدأ	۰,۰۲۵	۰,۵۱۴	-۱,۴۶	۰,۰۰۰	۰,۱۷۷	۰,۰۰۰	۰,۰۶۲	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
توانایی مدیریت	-۰,۰۰۹	۰,۰۴۷	-۰,۰۷۴	۰,۰۲۴	۰,۲۳۷	۰,۰۰۰	۰,۰۵۹	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
سن شرکت	-۰,۰۴۷	۰,۰۰۰	۰,۱۷۴	۰,۰۰۰	-۰,۰۲۵	۰,۰۰۰	-۰,۰۰۷	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
اهرم مالی	-۰,۱۷۵	۰,۰۰۰	-۰,۱۹۴	۰,۰۰۲	-۰,۲۴۰	۰,۰۰۰	-۰,۰۵۲	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
اندازه شرکت	۰,۰۱۲	۰,۰۰۰	۰,۸۱۸	۰,۰۰۰	۰,۰۰۸	۰,۰۰۰	۰,۰۰۵	۰,۰۰۰	۰,۵۶۹
رشد فروش	۰,۰۶۴	۰,۰۰۰	۰,۱۰۸	۰,۰۰۰	۰,۰۷۱	۰,۰۰۰	۰,۰۱۷	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
بازده دارایی‌ها	۰,۰۳۱	۰,۰۲۱	۰,۰۲۶	۰,۶۸۹	۰,۰۴۵	۰,۰۱۶	۰,۰۱۴	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
جریان نقد آزاد مثبت	۰,۷۷۰	۰,۰۰۰	-۰,۲۲۱	۰,۱۷۲	-۰,۰۳۵	۰,۰۰۰	-۰,۰۱۳	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
گزارش سایر آماره‌های اطلاعاتی									
فرعی اول		فرعی دوم		فرعی سوم		فرعی چهارم			
ضریب تعیین	۵۵ درصد	۶۵ درصد	۵۳ درصد	۳۵ درصد	۳۵ درصد	۳۵ درصد	۳۵ درصد	۳۵ درصد	۳۵ درصد
تعدیل شده	۱,۹۹	۲,۳۶	۲,۲۰	۱,۹۵	۲,۳۶	۲,۲۰	۱,۹۵	۲,۳۶	۲,۲۰
دوربین واتسون	۱۱۷۷,۹۲	۶۷,۶۸	۸۶۵,۶۵	۴۰۸,۳۸	۶۷,۶۸	۸۶۵,۶۵	۴۰۸,۳۸	۶۷,۶۸	۸۶۵,۶۵
آماره والد	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
سطح معناداری والد	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه اصلی دوم

آزمون فرضیه فرعی اول تا چهارم مربوط به فرضیه اصلی دوم

هدف فرضیه دوم بررسی میزان تأثیر ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین توانایی مدیریت و افشای شرکتی می‌شود. از این رو، به دلایل گفته شده در فرضیه اصلی اول، فرضیه دوم نیز در قالب چهار فرضیه فرعی بررسی شده است. نتایج به دست آمده درباره فرضیه فرعی اول و دوم نشان می‌دهد اثر تعاملی توانایی مدیریت و ضعف کنترل داخلی دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌شود. از این رو، ضعف کنترل داخلی باعث افزایش

عدم تقارن اطلاعاتی و عدم اطمینان محیطی می‌شود و رابطه معکوس بین توانایی مدیریت و عدم تقارن اطلاعاتی و عدم اطمینان محیطی را به رابطه مستقیم تبدیل کرده است. به طور خلاصه، در صورت وجود ضعف‌های کنترل داخلی از شدت رابطه بین توانایی مدیریت و افشای شرکتی کاسته می‌شود؛ از این رو، دلایل کافی برای رد فرضیه‌های فرعی اول و دوم وجود ندارد و می‌توان گفت ضعف کنترل داخلی بر ارتباط بین توانایی مدیریت و افشای شرکتی تأثیر معنادار دارد. همچنین، اثر تعاملی بین ضعف کنترل داخلی و توانایی مدیریت در فرضیه فرعی سوم و چهارم دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از

۵ درصد می‌شود؛ از این‌رو، دلایل کافی برای رد کنترل داخلی بر ارتباط بین توانایی مدیریت و افشای فرضیه‌های فرعی سوم و چهارم وجود ندارد و ضعف شرکتی تأثیر معنادار دارد.

نگاره ۶- نتایج آزمون آماری فرضیه فرعی اول تا چهارم پژوهش

متغیرها		فرعی اول		فرعی دوم		فرعی سوم		فرعی چهارم	
متغیرها		ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری
عرض از مبدأ		۰,۱۰۱	۰,۰۰۷	۰,۴۱۷	۰,۰۰۰	۰,۱۵۴	۰,۰۰۰	۰,۰۶۰	۰,۰۰۰
توانایی مدیریت		-۰,۰۱۴	۰,۰۰۰	-۰,۶۲۴	۰,۰۰۰	۰,۲۶۲	۰,۰۰۰	۰,۰۷۴	۰,۰۰۰
سن شرکت		-۰,۰۲۶	۰,۰۰۰	۰,۰۲۱	۰,۰۱۴	-۰,۰۲۴	۰,۰۰۰	-۰,۰۰۶	۰,۰۰۰
اهرم مالی		-۰,۱۵۰	۰,۰۰۰	-۰,۰۰۷	۰,۱۶۸	-۰,۲۴۰	۰,۰۰۰	-۰,۰۵۲	۰,۰۰۰
اندازه شرکت		۰,۰۰۸	۰,۰۰۱	۰,۰۱۸	۰,۰۰۱	۰,۰۰۹	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰۴	۰,۰۰۰
رشد فروش		۰,۰۴۵	۰,۰۰۰	۰,۰۱۲	۰,۲۰۲	۰,۰۶۵	۰,۰۰۰	۰,۰۱۷	۰,۰۰۰
بازده دارایی‌ها		۰,۰۱۲	۰,۳۱۹	-۰,۰۶۵	۰,۱۰۹	۰,۰۵۱	۰,۰۰۵	۰,۰۱۵	۰,۰۰۱
جریان نقد آزاد مثبت		۰,۶۴۲	۰,۰۰۰	-۰,۰۲۹	۰,۰۰۲	-۰,۰۴۰	۰,۰۰۰	-۰,۰۱۴	۰,۰۰۰
ضعف کنترل داخلی		۰,۱۹۳	۰,۰۰۰	۰,۰۱۴	۰,۱۹۲	-۰,۰۲۵	۰,۰۰۰	۰,۰۰۴	۰,۰۵۱
ضعف کنترل* توانایی مدیر		۰,۰۲۸	۰,۰۰۰	۰,۰۶۷۱	۰,۰۱۶	-۰,۰۷۷	۰,۰۱۱	-۰,۰۴۴	۰,۰۰۰
گزارش سایر آماره‌های اطلاعاتی									
		فرعی اول		فرعی دوم		فرعی سوم		فرعی چهارم	
ضریب تعیین تعدیل‌شده		۶۴ درصد		۷۷ درصد		۵۴ درصد		۳۵ درصد	
دوربین واتسون		۱,۹۷		۲,۳۶		۲,۲۵		۲,۴۱	
آماره والد		۱۷۲۰,۵۴		۳۹۸,۵۵		۸۹۷,۱۳		۴۲۸,۰۱	
سطح معناداری والد		۰,۰۰۰		۰,۰۰۰		۰,۰۰۰		۰,۰۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین توانایی مدیریت با افشای شرکتی با تأکید بر ضعف کنترل‌های داخلی است. افشای شرکتی با استفاده از چهار معیار اندازه‌گیری شد و هشت فرضیه فرعی در جهت آزمون موضوع موردبررسی تدوین شد. از نرم‌افزار استاتا نسخه ۱۵ برای تحلیل آماری استفاده شد؛ زیرا در سایر نرم‌افزارها مانند نرم افزار ایویوز تا نسخه ۱۰، امکان سنجش ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در حالت الگوی داده‌های پانل وجود ندارد. نتیجه نهایی حاصل از برآزش الگوهای

رگرسیونی نشان دادند توانایی مدیریت دارای رابطه مستقیم و معناداری با افشای شرکتی می‌شود که این رابطه مستقیم در صورت حضور متغیر ضعف کنترل‌های داخلی، تعدیل شده و کاهش پیدا می‌کند. مدیران اجرایی به همراه یک گروه از مدیران با تجربه تصمیمات شرکت را رهبری می‌کنند که قطعاً شامل تصمیم‌گیری در رابطه با سطح شفافیت شرکت نیز می‌شود. مطالعات قبلی نشان می‌دهد شفافیت شرکتی مزایایی چون کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی، کاهش هزینه‌های نمایندگی، کاهش عدم‌اطمینان، افزایش عملکرد شرکت، افزایش کیفیت گزارشگری،

افزایش کیفیت افشا و غیره دارد. همچنین، مدیران توانمند علاقه‌مند به افزایش سطح شفافیت شرکت هستند تا از این طریق عملکرد مطلوب خود را به اطلاع استفاده‌کنندگان برسانند. استدلال ما در پژوهش حاضر این بود که با افزایش توانایی مدیریت، سطح شفافیت شرکت بیشتر می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه کنترل‌های داخلی تحت طراحی و نظارت مدیریت قرار دارد، استدلال ما بر این بود که متغیر فوق بر شدت رابطه بین توانایی مدیریت و شفافیت شرکتی تأثیرگذار است؛ به همین دلیل، ضعف کنترل‌های داخلی نقش تعدیلگری را در پژوهش حاضر ایفا می‌کند. همچنین، برای اندازه‌گیری شفافیت شرکتی از چهار شاخص عدم‌تقارن اطلاعاتی، عدم‌اطمینان اطلاعات، به‌موقع بودن اطلاعات و قابل‌اتکابودن اطلاعات در قالب فرضیه‌های متفاوت بهره‌گرفته شد. به‌طور کلی، نتایج حاصل از آزمون فرضیات پژوهش با توجه به چهار شاخص یادشده نشان داد توانایی مدیریت رابطه مستقیمی با شفافیت شرکت دارد، به‌طوری که توانایی مدیریت رابطه معکوس و معنادار با شاخص عدم‌تقارن اطلاعاتی و شاخص عدم‌اطمینان اطلاعات دارد. این بدان معناست که هرچه توانایی مدیریت افزایش یابد، عدم‌تقارن اطلاعاتی و عدم‌اطمینان کاهش می‌یابد؛ به‌طوری که این کاهش نشان از شفافیت شرکتی دارد. همچنین، در رابطه با شاخص‌های به‌موقع بودن و قابل‌اتکابودن این رابطه مثبت و معنادار می‌شود و بدین‌صورت تفسیر می‌شود که افزایش توانایی مدیریتی موجب افزایش امتیاز افشای «به‌موقع بودن» و «قابل‌اتکابودن» می‌شود. همچنین، نتایج نشان داد ضعف کنترل‌های داخلی به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر تأثیری معنادار بر روابط بین

توانایی مدیریت با شاخص‌های یادشده برای شفافیت شرکتی دارد و موجب تعدیل آنها می‌شود؛ به نحوی که در رابطه با شاخص اول و دوم (عدم‌تقارن اطلاعاتی و عدم‌اطمینان) این تأثیر مثبت می‌شود و بدان معناست که با وجود ضعف کنترل داخلی رابطه بین توانایی مدیریت با عدم‌تقارن اطلاعاتی و عدم‌اطمینان مستقیم است و شفافیتی وجود نخواهد داشت. در حالی که در رابطه با شاخص سوم و چهارم (به‌موقع و قابل‌اتکابودن) تأثیر متغیر تعدیلگر مطابق با نگاره (۶) معکوس بوده است که نشان‌دهنده کاهش شفافیت شرکتی در صورت وجود ضعف کنترل داخلی درخصوص متغیرهای یادشده می‌شود. نتیجه حاصل‌شده در رابطه با شاخص‌های اول و دوم در تطابق با یافته‌های چامز و پاگلیس [۳۵]، چامز و همکاران [۳۶]، اندرو و همکاران [۳۰] و دیگر [۶۳] است؛ زیرا پژوهش‌های فوق نشان دادند با افزایش توانایی مدیریت، عدم‌تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد؛ به عبارت دیگر، با افزایش توانایی مدیریت، شفافیت شرکتی افزایش می‌یابد. در این خصوص، بارنی و همکاران [۳۴] نشان دادند اگر مدیران اطلاعات خصوصی را در اختیار بگیرند و از افشای آنها خودداری کنند، به عدم‌تقارن اطلاعاتی منجر می‌شود و در نهایت، خطر اخلاقی در پی خواهد داشت. دیگر [۶۳] در پژوهش خود نشان داد بین توانایی مدیریت و عدم‌اطمینان اطلاعات، به‌عنوان یکی از شاخص‌های سطح شفافیت شرکت، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ به عبارت بهتر، مدیر توانمند با کاهش عدم‌اطمینان اطلاعاتی، سطح شفافیت شرکت را افزایش می‌دهد. در پژوهش حاضر شاخص عدم‌اطمینان با میانگین حجم معاملات سالانه شرکت اندازه‌گیری شده است. بالابودن حجم معاملات سهام

شرکت، عدم اطمینان سهامدار به سهام شرکت را نشان می‌دهد و این امر به شفافیت پایین اطلاعات شرکت منجر می‌شود. نتایج در رابطه با شاخص سوم شفافیت نشان می‌دهد بین توانایی مدیریت و به‌موقع بودن اطلاعات رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ با این تفسیر که مدیران توانمند امتیاز به‌موقع بودن اطلاعات بالایی دارند. این امر نشان‌دهنده سطح شفافیت بالا در شرکت است. به‌موقع بودن اطلاعات یکی از شاخص‌های معروف کیفیت افشاست که سازمان بورس اوراق بهادار در ایران آن را یکی از مؤلفه‌های شاخص کیفیت افشا می‌داند. در این رابطه کاشانی‌پور و همکاران [۱۷] در پژوهش خود نشان دادند توانایی مدیریت بر رابطه کیفیت گزارشگری و کارایی سرمایه‌گذاری تأثیری ندارد؛ همچنین، بزرگ‌اصل و صالح‌زاده [۲]، در پژوهشی نشان دادند توانایی مدیریت موجب افزایش کیفیت اقلام تعهدی نمی‌شود. شاخص چهارم برای سنجش شفافیت شرکت در پژوهش حاضر قابل‌اتکابودن اطلاعات است، این شاخص نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های کیفیت افشا طبق رتبه‌بندی کیفیت افشا، از سوی سازمان بورس اوراق بهادار است. از این شاخص به‌همراه شاخص به‌موقع بودن در چارچوب نظری سازمان‌های مختلف از جمله IASB، FASB، بیانیه مشترک دو هیئت مذکور و چارچوب نظری استانداردهای حسابداری ایران به‌عنوان خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری یاد شده است. نتایج پژوهش در ارتباط با این شاخص نشان داد توانایی مدیریت رابطه مثبت و معناداری با قابل‌اتکابودن اطلاعات دارد. به‌عنوان یافته توصیفی، آمار توصیفی پژوهش حاضر نشان می‌دهد، میانگین امتیاز به‌موقع بودن قابل‌اتکا در بین شرکت‌های عضو نمونه آماری پژوهش حاضر

به‌ترتیب برابر ۰/۷۲ و ۰/۶۷ است که نشان می‌دهد امتیاز کیفیت افشا نیز در بین شرکت‌های فوق بالاست. در نهایت با بررسی نقش تعدیلگری متغیر ضعف کنترل‌های داخلی، نتایج پژوهش نشان داد متغیر فوق تأثیری معنادار بر رابطه بین توانایی مدیریت و شاخص‌های یادشده برای شفافیت شرکت دارد و موجب تعدیل روابط فوق می‌شود؛ به طوری که وجود ضعف کنترل‌های داخلی در شرکت موجب کاهش سطح شفافیت می‌شود. در این خصوص ایگر [۶۳] در پژوهش خود نشان داد استقرار حاکمیت شرکتی و سازوکارهای کنترلی مناسب از ورود مدیران کم‌توان به شرکت جلوگیری می‌کند و باعث افزایش شفافیت شرکت با بهره‌مندی از توانایی بالای مدیریت می‌شود. رستمی و کهنسال [۱۰] با بررسی جامعی از مبانی نظری داخلی و خارجی در ارتباط با کنترل‌های داخلی در پژوهش خود نشان دادند کنترل‌های داخلی‌ای که مدیریت طراحی کرده است، موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افزایش اتکای اطلاعات مالی می‌شود.

پیشنهادهای کاربردی

با توجه به مبانی نظری و نتایج حاصل از پژوهش حاضر به هیئت‌مدیره و مالکان شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود، شفافیت شرکت را عاملی تأثیرگذار در نگرش سرمایه‌گذاران، نسبت به توانایی و عملکرد مدیریت شرکت بدانند؛ بنابراین، در انتخاب مدیران خود دقت و فردی‌توانا و متخصص را انتخاب کنند؛ زیرا مدیران توانمند باعث افزایش کارایی شرکت می‌شوند و نتیجه عملکرد مطلوب خود را با افزایش شفافیت شرکت به نمایش می‌گذارند. همچنین، به سرمایه‌گذاران، به‌خصوص سرمایه‌گذارانی که قصد خرید و نگهداری سهام دارند، پیشنهاد می‌شود هنگام

انتخاب مقصد سرمایه‌گذاری، به توانایی مدیریت توجه ویژه‌ای داشته باشند؛ زیرا طبق نتایج پژوهش توانایی مدیریت رابطه معکوسی با عدم تقارن اطلاعاتی و عدم اطمینان اطلاعاتی دارد. پیرو پیشنهاد دوم، به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود سازوکاری اتخاذ کند تا شرکت‌ها اطلاعاتی را در رابطه با توانایی مدیریت خود ارائه دهند تا سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان را در گرفتن تصمیم یاری کند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

پیشنهاد می‌شود موضوع پژوهش حاضر به تفکیک صنایع در بورس اوراق بهادار تهران صورت پذیرد تا نتایج فرضیه‌ها در سطح صنایع نیز مشخص شود. در پژوهش حاضر از امتیاز افشای ارائه شده برای افشای به موقع بودن و قابلیت اتکا استفاده شد. پژوهش‌های آتی می‌توانند از امتیاز نهایی افشا نیز استفاده کنند. از آنجا که افشای شرکتی ممکن است از کیفیت حسابرسی و عملکرد هیئت مدیره و ناظران بیرونی نیز تأثیر بگیرد، از این رو، پیشنهاد می‌شود تأثیر مالکیت نهادی و استقلال هیئت مدیره و تخصص حسابرسان در صنعت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و افشای شرکتی بررسی شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذاران بازار سرمایه، قوانینی را برای بهبود ضعف‌های کنترل داخلی ایجاد کنند تا شرکت‌ها کمترین میزان ضعف را در کنترل‌های داخلی داشته باشند؛ چون عامل ضعف کنترل داخلی باعث کاهش شفافیت شرکتی می‌شود.

منابع

۱- ایزدی‌نیا، ناصر؛ گوگردچیان، احمد و مژگان تنباکویی (۱۳۹۳). تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ششم، شماره سوم، ۲۱-۳۶.

۲- بزرگ‌اصل، موسی و بیستون صالح‌زاده (۱۳۹۳). توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی، مجله دانش حسابداری، سال پنجم، شماره ۱۷، ۱۳۹-۱۱۹.

۳- بنی‌مهد، بهمن؛ عربی، مهدی و شیوا حسن‌پور (۱۳۹۵). پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری، تهران: انتشارات ترمه.

۴- پیری، پرویز؛ دیدار، حمزه و سمیه خدایار یگانه (۱۳۹۳). تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ششم، شماره سوم، ۹۹-۱۱۸.

۵- ثقفی، علی؛ بولو، قاسم و محمد محمدیان (۱۳۹۰). کیفیت اطلاعات حسابداری، سرمایه‌گذاری بیش از حد و جریان نقد آزاد، مجله پیشرفت‌های حسابداری، ۳۷-۶۳.

۶- حقیقت، حمید و سیدمصطفی علوی (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین شفافیت سود حسابداری و بازده غیرعادی سهام، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره پنجم، شماره اول، ۱-۱۲.

۷- حساس‌یگانه، یحیی و غلامحسین تقی نتاج ملک‌شاه (۱۳۸۵). رابطه گزارش کنترل‌های داخلی با تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۱۱، ص ۱.

۸- حاجیه‌ها، زهره و سهیلا محمدحسین‌نژاد (۱۳۹۴). عوامل تأثیرگذار بر نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۶، ۱۱۹-۱۲۷.

۹- خالقی‌مقدم، حمید و علیرضا خالق (۱۳۸۸). شفافیت شرکتی در ایران و عوامل مؤثر بر آن، مجله مطالعات حسابداری، بهار ۱۳۸۸، شماره ۲۱.

- ۱۸- قائمی، محمدحسین و محمدرضا وطن‌پرست (۱۳۸۴). بررسی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی، *مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، سال دوازدهم، شماره ۴۱، ۸۵-۱۰۳.
- ۱۹- لشگری، زهرا و سیدمحمدرضا رضوی‌عراقی (۱۳۹۳). تأثیر ضعف‌های عمده کنترل‌های داخلی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام، دومین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم مدیریت و حسابداری، تهران، دانشگاه جامع علمی کاربردی.
- ۲۰- مهرآذین، علیرضا؛ مسیح‌آبادی، ابوالقاسم و محمدعلی دهنوی (۱۳۹۱). شفافیت اطلاعاتی مالی و محتوای اطلاعاتی سود، *مجله دانش حسابداری*، سال سوم، شماره هشتم، ۱۳۰-۱۱۳.
- ۲۱- محمدپور، فرشاد؛ توکل‌نیا، اسماعیل و مجتبی اکبرپور (۱۳۹۲). ارزیابی کنترل داخلی و آثار افشای اطلاعات، *مجله بورس*، شماره ۱۰۷، ۶۶-۶۲.
- ۲۲- مرادزاده‌فرد، مهدی؛ عدل‌زاده، مرتضی؛ فرج‌زاده، مریم و صدیقه عظیمی (۱۳۹۲). عدم‌اطمینان اطلاعاتی، عدم‌تقارن اطلاعاتی و فرصت‌های رشد، *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال یازدهم، شماره ۳۹، ۱۴۵-۱۲۵.
- ۲۳- مهرانی، کاوه و اکبر پروائی (۱۳۹۳). کیفیت افشا در شرکت‌های خانوادگی پذیرفته در بورس اوراق بهادار. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۵۴۰-۵۲۷.
- ۲۴- نویخت، زهرا (۱۳۸۳). ارزیابی شفافیت اطلاعات در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.
- ۲۵- نمازی، محمد و محمدجواد فخاری (۱۳۹۴). سی‌اهمیت و نقش اطلاعات توانایی مدیران و نسبت‌های مالی به‌عنوان معیاری در انتخاب سبد
- ۱۰- دارابی، رویا و حسین مرادلو (۱۳۹۰). بررسی رابطه شفافیت اطلاعات و محتوای اطلاعاتی سود حسابداری، *فصلنامه علمی و پژوهشی حسابداری مدیریت*، سال چهارم، شماره یازدهم، ۵۱-۴۱.
- ۱۱- دستگیر، محسن و مهشید شهرزاد (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین کیفیت افشا و کیفیت اقلام تعهدی در توضیح بازده اضافی پرتفوی، *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۳۲-۱۷.
- ۱۲- رستمی، شعیب و ثمین کهنسال (۱۳۹۲). مباحثی نوین از کنترل‌های داخلی، *مجله حسابرس*، نشریه شماره ۷۸.
- ۱۳- سپاسی، سحر؛ انواری رستمی، علی‌اصغر و علی صیادی‌سومار (۱۳۹۴). تأثیر توانایی مدیریت بر تجدید ارائه صورت‌های مالی با تأکید بر انگیزه‌های فرصت‌طلبانه، *دانش حسابداری مالی*، شماره ۱۸، ۱۱۰-۸۹.
- ۱۴- شعری، صابر و کاوه آذین‌فر (۱۳۸۵). سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری و کنترل‌های داخلی، *نشریه حسابداری*، شماره ۱۳۱، ۹-۱.
- ۱۵- فخاری، حسین و جواد محمدی (۱۳۹۵). تأثیر فرهنگ سازمانی بر کیفیت افشا، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۳، دوره ۲۳، ۳۹۳-۴۱۴.
- ۱۶- فروغی، داریوش؛ امیری، هادی و امین ساکیانی (۱۳۹۴). توانایی مدیریت، کارایی سرمایه‌گذاری و کیفیت گزارشگری مالی، *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال ششم، شماره ۲۱، ۸۹-۶۳.
- ۱۷- کاشانی‌پور، محمد؛ آذرخوش، حمید و محمد رحمانی (۱۳۹۵). تأثیر توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری، *حسابداری سلامت*، سال چهارم، شماره سوم، ۸۵-۶۶.

- 37- Cheung, Yan. Leung, Ping Jiang, B. & Weiqiang Tan (2010), "A Transparency Disclosure Index Measuring Disclosures: Chinese Llisted Companies", *Journal of Accounting Public Policy*, No. 29, PP. 259–280.
- 38- Demerjian, P., Lev, B., Lewis, M.F., McVay, S.E. (2013). Managerial ability and earnings quality. *Accounting Review*, 88(2), 463-498.
- 39- Demerjian, P., Lev, B., McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7), 1229-1248.
- 40- Diamond, D. W., & Verrecchia, R. E. (1991). Disclosure, liquidity, and the cost of capital. *Journal of Finance*, 46(4), 1325–1359.
- 41- Easley, D., & O'Hara, M. (2004). Information and the cost of capital. *Journal of Finance*, 59(4), 1553–1583.
- 42- Easley, D. And M. O'Hara (1992). "Time and the process of security price adjustment". *The Journal of Finance*, No. 47(2), PP. 577-605.
- 43- Echave, J. O, & Bhati, Sh. (2010). Determinants of Social and Environmental Disclosures by Spanish Companies. *GSMI Third Annual International Business Conference* (PP. 55-68), Michigan, USA.
- 44- Falato, A., Li, D., & Milbourn, T. (2009). The role of CEO talent on pay, firm performance and turnover. Working paper: Washington University.
- 45- Fudenberg, D., & Tirole, J. (1986). A "signal-jamming" theory of predation. *RAND Journal of Economics*, 17(3), 366–376.
- 46- Faccio, M., Lang, L. H. P., & Young, L. (2001). Dividends and expropriation. *American Economic Review*, 91(1), 54–78.
- 47- Gelb, D.S., paul Zarowin. (2002), coporate disclosure policy and informativeness of stock price, reviw of accounting studies, Vol. 7, No 1, pp. 33-53.
- 48- Holmstrom, B. (1999). Managerial incentive problems: A dynamic perspective. *Review of Economic Studies*, 66(1), 169–182.
- 49- Hermalin, B., & Weisbach, M. (1998). Endogenously chosen boards of directors and their monitoring of the CEO. *American Economic Review*, 88, 96–118.
- بهینه سهام، فصلنامه حسابداری مالی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۳۰-۱.
- ۲۶- نیکبخت، محمدرضا و حمید کلهرنیا (۱۳۹۶). تعیین رابطه شفافیت اطلاعاتی، نقدشوندگی و ارزیابی شرکت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال نهم، شماره ۳۳، ۱۶-۱.
- 27- Alsaeed, K. (2005). The association between firm-specific characteristics and disclosure: the case of Saudi Arabia. *Journal of American Academy of Business*, Vol. 7, No. 1, Pp. 310-321.
- 28- Ahmed, K., Nicholls, D. (1994). The impact of non-financial company characteristics on mandatory disclosure compliance in developing countries: the case of Bangladesh. *The International Journal of Accounting*, Vol. 29, No. 1, Pp. 62–77.
- 29- Botosan, Christine A. (1997). Disclosure Level and the Cost of Equity Capital. *The Accounting Review* 72 (July), Pp. 323-349.
- 30- Andreou, P.C., Ehrlich, D., Christodoulos L. (2013). Managerial ability and firm performance: evidence from the global financial crisis, <http://www.efmaefm.org>.
- 31- Anderson, R. C., Duru, A., & Reeb, D. M. (2009). Founders, heirs, and corporate opacity in the United States. *Journal of Financial Economics*, 92(2), 205–222.
- 32- Bertrand, M., & Schoar, A. (2003). Managing with style: The effect of managers on firm policies. *Quarterly Journal of Economics*, 118(4), 1169–1208.
- 33- Botosan, C.A. (1999), Disclosure level and the cost of equity capital, *The Accounting Review*, vol. 72, No. 3, pp. 323-349.
- 34- Barnea, A, Haugen, R, Q., and senbet, l.w. (1985), *Agency problems and financial contracting*, Englewood Cliffs Prentic-hall.
- 35- Chemmanur, T. and I. Paeglis (2005). "Management Quality, Certification, and Initial Public Offerings", *Journal of Financial Economics*, Vol. 2, No. 76, pp. 331-368
- 36- Chemmanur, T.; Paeglis, I.; and K. Simonyan (2009). "Management Quality Financial Investments and Asymmetric Information", *Journal of Financial and Quantitative Analysis*,

- 60- Owusu-Ansah, S. (1998). The impact of corporate attributes on the extent of mandatory disclosure and reporting by listed companies in Zimbabwe. *Int. J. Account*, Vol. 33, No. 5, Pp. 605-631.
- 61- Pérez-González, F. (2006). Inherited control and firm performance. *American Economic Review*, 96(5), 1559-1588.
- 62- Stein, J. C. (1989). Efficient capital markets, inefficient firms: A model of myopic corporate behavior. *Quarterly Journal of Economics*, 104(4), 655-669.
- 63- Setayesh, M. H. & Kazemnezad, M. (2012). Identify and explain the factors affecting the quality of information disclosure in the Listed Companies of the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Developments*, 4(1), 49-79. (in Persian)
- 64- Sideny, L., Lee, p., & jhon, C. (2015). Impression management through minimal narrative disclosure in annual reports. *Journal of british accounting*, 17(3), pp. 1-15.
- 65- Uygur, O. (2017). CEO ability and corporate opacity. *Advances in Quantitative. global finance jornal*, 13, 145-166.
- 66- Uygur, O. (2015). Do high ability CEOs matter to shareholders? Evidence using a unique measure for CEO ability. *Advances in Quantitative Analysis of Finance and Accounting*, 13, 137-164. Vol. 44, No. 5, pp. 1045-1079.
- 67- Venkatesh, p. C. and R. Chiang (1986). Information asymmetry and the dealer's bid-ask spread: a case study of eanings and dividend announcements. *The Journal of Finance*, No. 41(5), PP.1089-11020..
- 68- Watts, R. and Zimmerman, J.L. (1983), Agency problems, auditing and theory of the firm: some evidence. *Journal of Law & Economics*, Vol. 12, No. 26, Pp. 613 - 633.
- 50- Healy, P. M., & Palepu, K. G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting and Economics*, 31(1-3), 405-440.
- 51- Hoitash, U., Hoitash, R., & Johnstone. K,(2011), Internal Control Material Weaknesses and CFO Compensation", Working paper. Madison: University of Wisconsin, NO 57, PP. 1-31.
- 52- Iliev P. (2010), The Effect of SOX Section 404: Costs, Earnings Quality, and Stock Prices, *The Journal of Finance*, 65(3), 2010, 1163-1196
- 53- Jensen, M.C. and Meckling, W.H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, Vol. 3, Pp. 305-360.
- 54- Kyle, A. (1985). Continuous auctions and insider trading. *Econometrica* No, 53(6), PP. 1315-1335.
- 55- Leuz, C., & Verrecchia, R. E. (2000). The economic consequences of increased disclosure. *Journal of Accounting Research*, 38(3), 91-124.
- 56- Lang, M. H., & Lundholm, R. J. (1996). Corporate disclosure policy and analyst behavior. *Accounting Review*, 71(4), 467-492.
- 57- Lang, M. H., & Lundholm, R. J. (2000). Voluntary disclosur and equity offerings: reducing information asymmetry or hyping the stock? *Contemporary accounting research*, Vol. 17, No. 4, pp.623-662.
- 58- Leftwich, R., R. Watts and Zimmerman, J. (1981), Voluntary corporate disclosure: the case of interim reporting. *Journal of accounting research*, Vol. 19(supplement), pp. 50-77.
- 59- Narayanan, M. P. (1985). Managerial incentives for short-term results. *Journal of Finance*, 40(5), 1469-1484.